



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

در میان بحث‌های تخصصی علوم قرآنی، بحث از روش‌های تفسیری جایگاه ویژه و نقش کلیدی دارد. نیل به تفسیر صحیح آیات قرآن در گرو شناخت روش تفاسیر بوده و شناخت روش‌های تفسیری موجب درک صحّت و سقم برداشت‌های قرآنی است. بنابراین تبیین روش‌های تفسیری یکی از اصولی‌ترین مسائل تفسیری است و تا برای مراجعه‌کننده مشخص نباشد، نمی‌توان به خوبی از آن تفسیر بهره ویژه برد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۱، ۵۵؛ مؤدب، ۱۳۸۶: ۱۷).

مدرسه تفسیری اصفهان، از جمله مدارس مهم تاریخ تفسیر است که در بازه زمانی قرن پنجم و ششم هجری از زمان راغب اصفهانی (م ۵۰۲ق) شروع و در قرن دهم تا دوازدهم در دوران صفویه به صورت جدی فعال بوده و همچنان در زمان معاصر به فعالیت خود ادامه داده است. مدرسه تفسیری اصفهان، اصطلاح مستحدثی است که مطالعه در مورد آن، بنیان‌های فکری مکتب اصفهان را روشن خواهد کرد. در پرتو شناخت مفسران اصفهانی، روش‌های تفسیری آنان به دست آمده و با استفاده از تجربیات پیشینیان به ارتقای سطح استنباط می‌انجامد.

در این پژوهش با مطالعه دقیق پانزده تفسیر شاخص از مدرسه تفسیری اصفهان به دنبال رویارویی مفسران آن با اقسام روایات تفسیری می‌باشیم. پانزده تفسیر مورد استفاده عبارتند از: جامع التفسیر مفردات راغب اصفهانی، تفسیر القرآن الکریم ملاصدرا، تفسیر صافی-اصفی-مصفی فیض کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین و خلاصه المنهج و زبده التفاسیر ملا فتح‌الله کاشانی، تفسیر المعین محمد بن مرتضی کاشانی، تفسیر لاهیجی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب مشهدی قمی، اطیب البیان سیّد طیب، مخزن العرفان بانو امین و تفسیر مهر محمدعلی رضایی.

در خصوص پیشینه این تحقیق باید یادآور شد که هیچ پژوهشی که از این زاویه دید بدین موضوع پرداخته باشد، تا کنون نگاشته نشده است.

## الف) مفهوم شناسی

### ۱. مدرسه تفسیری اصفهان

مکتب یا مدرسه<sup>۱</sup> اصطلاحی است که به مناطق خاص جغرافیایی که دارای ویژگی‌هایی هم‌چون محل اجتماع عالمان و دانشمندان در یک رشته علمی خاص که به مذهب معینی پایبند بوده و در آراء مشترکی با هم اتفاق و اتحاد داشته‌اند، اطلاق می‌شود. (جبرئیلی، ۱۳۹۰: ۳۹) گفتنی است که در عنوان مدرسه حداقل دو عنصر منطقه جغرافیایی و شرایط فکری حاکم و غالب در آنجا و نیز اشخاص و شخصیت‌های تأثیرگذار و گاه تأثیرپذیر نقش مهم و اساسی دارند. (سبحانی، ۱۳۸۲، ۱: ۱۷۶)

مدرسه تفسیری اصفهان از جمله مدارس مهم تفسیری امامیه است که در بازه زمانی قرن دهم تا دوازدهم در دوران صفویه مباحث تفسیر و علوم قرآنی به صورت جدی در آن دیار فعال بوده و نقطه اوج آن در اواخر قرن یازدهم هجری می‌باشد. با وجود این‌که جریان‌های مختلف فکری در این مدرسه وجود داشته است، لیکن شاخص این مدرسه اخباریگری و در مقابل آن جریان فهم عقلانی از معارف اهل بیت (علیهم السلام) است که مفسران آن بر اساس معارف، روی به نظریه‌پردازی و استدلال عقلانی آوردند. این مدرسه تفسیری پیش از شکل‌گیری مدرسه قم در دوران معاصر

---

۱- واژه‌ی School نیز همین معنا را تداعی می‌کند. در آکسفورد و دیگر از فرهنگ لغات انگلیسی آمده است: گروهی از مردمان که در یک سلک مشترک‌اند مثلاً نویسنده یا هنرمند یا فیلسوف‌اند و در عقاید و یا روش‌ها و موضوعات خاص با هم اشتراک دارند.

department concerned with one subject: the school of low. and group of people with the same methods, style. (pearson, (1999), "Longman learner's dictionary")

به نوعی کمرنگ شد و رو به افول نهاد و میراث جریان‌های فکری آن به خراسان و قم منتقل شد (اقوام کرباسی، ۱۳۹۱: ۳۸-۶۵).

## ۲. روش تفسیری

منظور از روش، راه روشن و آشکار است. (معین، ۱۳۸۶، ۴: ۱۲۷۵) روش، در واقع منابع و مستندات است که مفسر بر اساس آن ایده و مفهومی را ساخته و پرداخته می‌کند؛ طوری که تنها راه دسترسی به معارف قرآن را منحصر به آن مستندات می‌داند. (شاکر، ۱۳۸۲: ۴۶) مقصود از «روش»، استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد؛ به عبارت دیگر چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن را «روش تفسیر قرآن» می‌گویند. روش تفسیری مستنداتی است که مفسر در فهم قرآن از آن بهره گرفته (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۲۱۵؛ مؤدب، ۱۳۸۲: ۱۶۵) و راه دست‌یابی کامل به مقاصد کلام الهی را منحصر به آن می‌داند. بر این اساس روش تفسیری، چگونگی کشف و استخراج معانی آیات با استفاده از ابزار یا منبع خاصی هم‌چون عقل یا نقل می‌باشد. (سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۸۸) گفتنی است که روش تفسیری به دو روش نقلی و عقلی تقسیم می‌شود (رک: جوادی آملی، ۱، ۱۳۷۸: ۵۸؛ معرفت، ۱۳۸۱، ۲: ۱۸؛ سبحانی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) که با افزودن روش عرفانی می‌توان بقیه روش‌ها را زیر مجموعه یکی از این سه روش قرار داد. (بابایی و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۴) در تفسیر نقلی، تنها به ذکر آیات یا روایات از معصومین (علیهم‌السلام) یا صحابه و تابعین بسنده می‌شود؛ (رک: جوادی آملی، ۱: ۵۸؛ ایازی، ۱۳۸۶: ۳۶؛ بابایی و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۴) بنابراین تفسیر قرآن به قرآن و تفاسیر روایی در این قسم جای می‌گیرند. (رک: مؤدب: ۱۶۷؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ۱: ۵۸؛ سبحانی، ۱۳۸۷: ۲۱۰)

روش روایی به عنوان یک روش تفسیری عبارت است از بهره‌گیری از سخنان و سیره معصومان (علیهم‌السلام) به عنوان مهم‌ترین منبع در فرآیند فهم آیات قرآن؛ چه این بهره‌گیری به صورت ایجابی باشد و مفسر را در دستیابی به قرینه‌های جانبی و زوایای پیدا و نهان سخن خداوند یاری کند و خواه صورت سلبی داشته باشد؛ یعنی برداشت‌های نادرست را رد کند و موانع درک مقصود حقیقی خداوند را بزداید. (مسعودی، ۱۳۹۵، ۱: ۱۱۰؛ گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۴۰)

### ب) اقسام مواجهه با روایات

در مجموع مطالعه پانزده کتاب تفسیری، اقسام مواجهه با روایات تفسیری در این مدرسه را می‌توان در موارد ذیل نام برد:

#### ۱. استفاده از روایات تبیینی جهت بیان معنا

راغب اصفهانی در بیان معنای حمد در ابتدای سوره فاتحه‌الکتاب به روایتی در معنای «حمد» تمسک نموده و آن را تبیین نموده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۸) ملاصدرا در بیان معنای «رب» در سوره توحید آورده است: کلمه «رب» به معنای سرور و مالک است؛ چنانچه حضرت رسول به شخصی فرمود: شما صاحب و مالک گوسفندانی یا شتران؟ (شیرازی، ۱۳۶۶، ۱: ۷۸)

نمونه‌های فراوانی از روایات تبیینی در تفسیر منهج الصادقین وجود دارد؛ به عنوان مثال در ذیل آیه ۴ از سوره مزمل: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا» به احادیثی در بیان معنای ترتیل پرداخته‌اند. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۱۰: ۴۵) در دیگر تفاسیر نیز این مواجهه دیده می‌شود. نمونه تبیین معنای آیه با روایات در تفسیر مخزن العرفان را در ذیل آیه ۴۲ از

اقسام مواجهه با روایات تفسیری در مدرسه تفسیری اصفهان / علیرضا زکی‌زاده رنای ۱۲۹

سوره بقره: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ...» می‌توان دید، مؤلف ضمن بیان معنای آیه در مذمت عالمان بی‌عمل و دنیاپرست روایاتی نقل کرده است. (ر.ک: امین، ۱۳۶۱، ۱: ۲۸۹)

## ۲. استفاده از روایات جهت بیان مصداق

نمونه استفاده از روایات جهت بیان مصداق در ذیل آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» در معنا و مصادیق صراط است. (ر.ک: راغب‌اصفهانی، ۱۴۰۵: ۱۳۴) نمونه این دست روایات را در تفسیر منهج الصادقین می‌توان در آیه ۱۷ سوره هود: «وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» دید که پس از بیان پنج مصداق برای «شاهد» آن را طبق روایات فریقین بر وجود مبارک علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) که مصداق اتم و اکمل آیه است، تطبیق داده است. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۴: ۴۲۴)

در تفسیر مخزن‌العرفان در آیه ۱۷۳ از سوره بقره: «فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ...» پس از روایاتی که بیان می‌دارد مقصود از باغی و عادی چه کسانی هستند، مؤلف تصریح دارد که این دست روایات بیان مصداقی از آیه شریفه هستند. (ر.ک: امین، ۱۳۶۱، ۲: ۱۸۲) نمونه آن در تفسیر مهر در سوره حمد ذیل آیه: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ...» که مقصود یهود و نصاری هستند و اضافه می‌کنند که این دو گروه مصداق آیه‌اند و مفهوم آیه منحصر در آن نیست. (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۸، ۱: ۱۴۸)

## ۳. استفاده از روایات مؤید معنای لغوی

نمونه آن را در ذیل آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ...» در معنای «غضب» می‌توان جست. (ر.ک: راغب‌اصفهانی، ۱۴۰۵: ۱۳۷) فیض درباره معانی

لغات نیز از روایات استفاده کرده و در مواردی که روایت نباشد، به صراحت از کتب لغت استفاده نکرده است. کتب لغت در معنای «شُحَّ» آورده‌اند: «شُحَّ: الْأَصْلُ فِيهِ الْمَنْعُ، ثُمَّ يَكُونُ مَنَعًا مَعَ حِرْصٍ. مِنْ ذَلِكَ الشُّحُّ وَهُوَ الْبَخْلُ مَعَ حِرْصٍ». (ابن فارس، ۳۹۵، ۳: ۱۷۸) در این ترجمه، «شُحَّ»، بخل به همراه حرص آمده است. فیض در ذیل آیه ۹ از سوره حشر «وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ» روایتی را نقل می‌کند که هم جنبه تفسیری و بیان معنای دقیق آیه را دربردارد و هم لغت «شُحَّ» را به خوبی توضیح داده است: «فی الکافی و الفقیه عن الصادق علیه السلام الشُّحُّ اشْدُّ مِنَ الْبَخْلِ انَّ الْبَخِيلَ يَبْخُلُ بِمَا فِي يَدِهِ وَ الشَّحِيحُ يَشْحُ بِمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ...»؛ در دو کتاب الکافی و من لایحضره الفقیه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: شُحُّ مرتبه‌ای شدیدتر از بخل است. بخیل از آن چه خود دارد به دیگران نمی‌دهد، اما شحیح نه تنها مال خود را به دیگری نمی‌دهد که درباره مال دیگران نیز بخل می‌رزد تا جایی که هیچ چیزی از اموال و دارایی‌های مردمان را نمی‌بیند؛ مگر این که آرزو می‌کند که آن را داشته باشد؛ چه از راه حلال و چه از راه حرام و به آن چه خدا روزی‌اش کرده قانع نیست. (فیض، ۱۴۱۸، ۵: ۱۵۷) ملافتح‌الله در معنای «مَاءٌ ثَجَّاجًا» در آیه ۱۴ از سوره نبا، پس از بیان معنای لغوی «ثَجَّجَ» به آبی به غایت ریزان در تأیید آن به روایت «أَفْضَلُ الْحَجِّ الْعَجَّ وَ الثَّجَّجُ» تمسک بسته است. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۱۰: ۱۲۹)

شریف لاهیجی این‌گونه از روایات مؤید معنای لغوی بهره می‌گیرد؛ مثلاً یکی از معانی «ضحک» در لغت «حائض شدن» است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۷۵، ۳: ۵۸، ماده «ضحک») از این رو در آیه شریفه: «وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ» (هود: ۷۱) پس از معنا کردن این لغت، سخن امام صادق (علیه السلام) را نقل می‌کند که فرمود: «انَّ ضَحْكَتَ بِمَعْنَى حَاضَتْ». (شریف لاهیجی، ۲: ۴۶۰) مشهدی قمی نیز ذیل آیه دوّم از سوره بقره



«لَا رَيْبَ فِيهِ» پس از آوردن معنای لغوی «ریب» در تأیید آن روایتی را نقل کرده است. (مشهدی، ۱۳۶۸، ۱: ۱۰۶)

#### ۴. استفاده از روایات مؤید مطلب و برداشت مفسر

راغب در ذیل آیه سوّم از سوره بقره که می‌فرماید: «وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»، بحث عمومیت این رزق را مطرح کرده و این‌که مختص به ارزاق مادی نیست و شامل علم و همه نعمت‌های ظاهری و باطنی نیز می‌شود و در تأیید مطلب خویش به روایت نبوی تمسک جسته است. (راغب اصفهانی، ۵۰۲: ۱۵۹) ملاصدرا پس از بیان این نکته که فهم از درک خدای متعال قاصر و زبان از توصیفش عاجز است، در این مقام از گفته پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله و سلم) پیروی کرده است که فرمود: «إِذَا بَلَغَ الْكَلَامَ إِلَى اللَّهِ فَأَمْسِكُوا». آن‌گاه که سخن به خدای متعال رسد بازایستید و ادامه ندهید. (شیرازی، ۱۳۶۶، ۱: ۹۰)

#### ۵. استفاده از روایات فضائل سور و آیات

ملاصدرا پس از ذکر آیه ۱۹۱ سوره آل عمران روایت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله و سلم) را متذکر شده است: «لَمَّا نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى السَّمَاءِ، قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ ثُمَّ قَالَ: «وَيْلٌ لِمَنْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ ثُمَّ مَسَحَ بِهَا سَبْلَتَهُ...»؛ معناه آن یقراها و یترک التأمّل فی أحوال ملکوت السماء». (شیرازی، ۱۳۶۶، ۱: ۱۳۵)

فیض در فضیلت سوره حمد به نقل از تفسیر عیّاشی آورده است: «عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) أن ام الكتاب أفضل سورة أنزلها الله في كتابه و هي شفاء من كل داء الا السّام یعنی الموت» (فیض، ۱۴۱۸، ۱: ۸۸)؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

سَلِّم) فرمود: سوره حمد بهترین سوره‌ای است که خدای متعال در کتاب خویش نازل کرده و آن شفای هر دردی جز درد مرگ است. در فضیلت قرائت سوره بقره و آل عمران به نقل از امام صادق(ع) آورده‌اند: «و فی ثواب الأعمال عن الصادق (علیه‌السَّلَام) من قرأ سورة البقرة و آل عمران جاء تا يوم القيامة ...». امام صادق (علیه‌السَّلَام) فرمود: هرکسی سوره بقره و آل عمران را بخواند، آن دو سوره روز قیامت سایه‌بان وی شوند. در فضیلت سوره نساء آمده است: حضرت علی (علیه‌السَّلَام) فرمود: هرکسی سوره نساء را در روز جمعه [یا در هر هفته] بخواند، از فشار قبر ایمن شود ان شاء الله». (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۸: ۵۲۶)

ملافتح‌الله کاشانی در ابتدای هر سوره به مباحث مقدماتی آن سوره و اطلاعات اجمالی آن پرداخته که از جمله آن‌ها ثواب و فضیلت قرائت آن باشد. وی در فضیلت سوره بقره نقل کرده است: «و ثواب قرائت این سوره بسیار است. اُبی بن کعب روایت کند از حضرت رسالت «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ» که هر که این سوره را تلاوت کند مستغرق صلوات الهی و رحمة نامتناهی شود و ثواب کسی که یک سال در راه خدا مرابطه [مرزبانی] نموده باشد و در این مدّت اصلاً خوف و ترس کفّار از دل او زایل نشده در نامه اعمال او بنویسند و بعد از آن فرمود که ای اُبی مسلمانان را امر کن به دانستن این سوره که دانستن آن برکت است و ترک آن حسرت و ندامت در روز قیامت و ساحران و باطلان طاقت خواندن و شنیدن این سوره ندارند.» (کاشانی، ۱۳۳۶، ۱: ۵۰)

از آن‌جا که بن‌مایه اصلی تفسیر کنز الدقائق روایات است، روایات فضائل السور و آیات به فراوانی یافت می‌شود و روش ایشان این است که روایات فضائل و ثواب قرائت سوره‌ها را در ابتدای هر سوره ذکر می‌کند. سید طیب نیز در این تفسیر از

روایات فراوان بهره جسته است و روایات فضائل السور را نیز نقل کرده است. نمونه آن در ابتدای سوره آل عمران و نقل روایتی از حضرت صادق (علیه‌السلام) درباره سوره بقره و آل عمران. (ر. ک: طیب، ۱۳۷۸، ۴: ۲۸۷) از موارد استفاده بانو امین در تفسیر مخزن‌العرفان، روایات فضائل‌السور است که در ابتدای هر سوره بیان داشته است. (ر. ک: امین، ۱۳۶۱، ۱: ۲۰؛ همان ۳: ۳؛ ۴: ۳ و ۲۴۹) صاحب تفسیر مهر در ابتدای شروع به تفسیر هر سوره به فضائل آن پرداخته است، نمونه آن را در ابتدای هر سوره می‌توان مشاهده کرد. (رضایی، ۱۳۸۸، ۱: ۱۲۱-۱۳۹)

#### ۶. استفاده از روایات مبین شأن نزول آیات

یکی از موارد استشهاد ملاصدرا به روایات، بیان شأن نزول آیات است. مثلاً در ذیل آیه شریفه «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا...» (یس: ۷۸) می‌گوید: «روایت شده است که گروهی از کفار قریش درباره جهان پس از مرگ سخن گفتند. یکی از آنها می‌گفت: «آیا نمی‌بینید که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌گوید مردگان دوباره برانگیخته می‌شوند؟ قسم به لات و عزری که به سوی او می‌روم و با او مخاصمه می‌کنم.» سپس با استخوان پوسیده‌ای به سراغ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رفت و گفت: «ای محمد! آیا معتقدی که خدا این استخوان را بعد از پوسیدگی برمی‌گرداند؟» حضرت فرمود: «بله و تو را هم بر می‌گرداند و داخل جهنم می‌کند، سپس این آیه نازل شد. (شیرازی، ۱۳۶۶، ۵: ۳۴۴)

فیض از آن‌جا که سعی در آوردن روایات دارد، از روایات شأن نزول نیز بهره جسته است؛ برای نمونه در سوره یس ذیل آیه ۷۸: «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا...» آورده است. «العیاشی عن الصادق «علیه‌السلام» قال جاء ابی بن خلف فأخذ عظاماً...» (فیض

کاشانی، ۱۴۱۸، ۴: ۲۶۱)؛ در تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) نقل است که فرمود: اَبی بن خلف به نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد در حالی که استخوانی پوسیده از دیوار برگرفت و آن را بودر کرد. آن گاه به پیامبر گفت: ای محمد وقتی که استخوانی شدیم و پوسیدیم، آیا دوباره در خلقتی نو خواهیم درآمد؟! که این آیه نازل شد.

روایات شأن نزول یکی دیگر از اقسام روایات تفسیری است و از این جهت که در راستای فهم صحیح و بهتر معنای آیه‌اند، در زمره روایات تفسیری به شمارند. در تفسیر منهج الصادقین نمونه نخست آیه دوم از سوره حجرات: «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا...»؛ «بعضی گفته‌اند که مراد آن است که او را به نام و کنیت که محمد و محمود و احمد و ابوالقاسم است، بخوانید چنان‌که یکدیگر را می خوانید؛ بلکه او را به کلمه‌ای که متضمن تبجیل و توقیر او باشد خطاب کنید؛ چون یا نبی الله و یا رسول الله و یا خیر خلق الله و مؤید این است آن چه ابو حمزه ثمالی از عکرمه نقل کرده که ابن عباس را از سبب نزول این آیه پرسیدند گفت: جمعی از بنی العنبر که اصحاب پیغمبر «صلی الله علیه و آله و سلم» سبی زراری ایشان نموده بودند به مدینه آمدند به قصد فدای زراری خود در پس حجرات اطهر آواز دادند که یا محمد اخرج إلینا؛ ای محمد از حجره بیرون آی. آن حضرت از عدم ملاحظه ادب ایشان متأذی گشت. حق سبحانه بجهت تشفی وی آیه فرستاد». (کاشانی، ۱۳۳۶، ۸: ۴۰۴)

تفسیر کنز الدقائق هم نمونه‌های فراوان دارد؛ به عنوان مثال در ذیل آیه دوم از سوره عنکبوت: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا...» شأن نزول آیه را بیان داشته است. (مشهدی، ۱۳۶۸، ۱۰: ۱۱۸) روایات شأن نزول نیز در تفسیر روایی اطیب البیان فراوان است. نمونه آن در ذیل آیه ۲۷ از سوره انفال: «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا

اللَّهُ...» که به نقل از مجمع البیان روایتی از صادقین (علیهما السلام) نقل کرده است. (طیب، ۱۳۷۸، ۶: ۱۰۳) نمونه آن در تفسیر مخزن العرفان در آیه ۱۲۵ از سوره بقره: «اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» و نقل روایتی در شأن نزول آن. (رک: امین، ۲: ۷۳) نمونه آن در تفسیر مهر ذیل آیه ۴۱ از سوره بقره: «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا...». (رک: رضایی، ۱۳۸۸، ۱: ۲۴۵-۲۴۶) نمونه دیگر را در ذیل آیه ۱۰۲ از سوره بقره: «وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ...» می‌توان یافت. (رک: همان: ۳۴۶)

#### ۷. استفاده از روایات همسو با دلالت قرآن

در ذیل آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» که زمین در هنگامه قیامت اخبار خویش را بازگو می‌کند، آورده است: «روی عن الرسول «صلى الله عليه وآله وسلم»: تشهد على كلِّ أحد بما عمل على ظهرها»؛ یعنی زمین شهادت می‌دهد به آنچه این آدمیان در روی زمین انجام داده‌اند. (شیرازی، ۱۳۶۶، ۷: ۴۲۷)

#### ۸. استفاده از روایات مبین تأویل آیات

در ذیل آیه ششم از سوره زلزله «يَوْمَئِذٍ يَصُدُّرُ النَّاسُ...» آورده است: شاهد در تأویل آیه شریفه اذا الوحوش است که با تأیید روایت، این وحوش را انسان‌هایی با خلق و خوی حیوانات وحشی می‌داند. (شریف لاهیجی، ۷: ۴۳۰) مشهدی قمی ذیل آیه ۵ از سوره قصص: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...» در تأویل آیه به اهل بیت و دشمنان آنان به بیان بطن و تأویل آیات پرداخته است. (رک مشهدی، ۱۳۶۸، ۱۰: ۳۰) نمونه دیگر در آیه ۲۲ از سوره الرحمن و تطبیق آن به حسنین (علیهما السلام) است. (رک: همان، ۱۲: ۵۶۸) سید طیب روایاتی را بیان می‌نماید که در بردارنده بطن و تأویل آیات است. نمونه این

دست روایات را می‌توان در آیه ۳۶ سوره توبه: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ...» دید که پس از بیان تفسیر ظاهر آیه شریفه به روایاتی در تأویل آن و بیان بطن آیه پرداخته است که مراد از این دوازده ماه، دوازده امام هستند. (طیب، ۱۳۷۸، ۶: ۲۱۶)

نمونه این بطن‌گیری و تأویل‌ها در تفسیر مخزن العرفان را می‌توان در آیه ۸۲ از سوره نمل: «وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ...» در تأویل دابه به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حضرت امیر (علیهما السلام) مشاهده کرد. (ر.ک: امین، ۱۳۶۱، ۹: ۳۶۵) نمونه آن در تفسیر مهر ذیل آیه ۴۰ از سوره بقره: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا...» است. در روایتی مقصود از وفای به عهد را ایمان به ولایت علی (علیه السلام) برشمرده است. مؤلف در توضیح این روایت آورده است: این‌گونه احادیث با الغای خصوصیت از بنی‌اسرائیل، به بطن آیه و قانون کلی که از آیه استفاده می‌شود، اشاره می‌کنند که یکی از مصادیق آن میثاق با ولایت است. (رضایی، ۱۳۸۸: ۲۴۴)

#### ۹. ترجیح معنای روایی بر دیگر اقوال

ملاصدرا در ابتدای سوره سجده و در معنای حروف مقطعه قرآن آورده است: سخن مفسران در معنای حروف تهجی و مقطعه ابتدای سور گوناگون است و در تفاسیر مشهور وجوهی بیان شده که قلب بدان آرامش نگیرد و اطمینانی نمی‌آورند و چه خوب برخی گفته‌اند که در هر کتابی اسراری وجود دارد و اسرار خدا در قرآن همین حروف مقطعه هستند. گویا این سخن از کلام امیر المؤمنین (علیه السلام) گرفته شده که فرمود: «هر کتابی مطالب برگزیده و نابی دارد و برگزیده قرآن حروف مقطعه آن است.» (شیرازی، ۱۳۶۶، ۶: ۱۴)

#### ۱۰. جمع بین روایات بیان مصداق

تفسیر صافی از تفاسیر روایی با رویکرد تأویلی است. روایات مورد استفاده فیض در این تفسیر بیشتر از تفسیر قمی، تفسیر عیاشی، کافی و تفسیر مجمع‌البیان است. به طور کلی، گرایش‌های فکری فیض را می‌توان شامل گرایش‌های روایی، عرفانی، فلسفی، کلامی و اخلاقی دانست؛ ولی دو گرایش اول در برخورد با روایات تفسیر صافی بیشتر به چشم می‌خورد. (کوثری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۴) فیض معتقد است که تنافی و تعارض واقعی بین روایات وجود نداشته و از این رو می‌کوشد تا در حد امکان بین دو دسته روایات به ظاهر متعارض جمع کرده و وجوهی برای جمع ذکر می‌کند. ایشان با عبارت «بوهم التناقض» به عقیده خویش در این زمینه پرداخته است: «و إذا...أردنا أن نجمع و نوفق بین ما یوهم التناقض أو نحو ذلك صدرنا کلامنا بقولنا (أقول أو قيل) لیفصل من کلام المعصوم «علیه‌السلام». (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۸، ۱: ۷۷) در تفسیر معنای «حین» در آیه ۳۶ سوره بقره «وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»، در روایتی این زمان را تا هنگام مرگ و در روایت دیگر تا زمان قیامت دانسته‌اند. شریف در جمع این دو روایت می‌نویسد: «و حدیث شریف «من مات فقد قامت قیامته» رفع تنافی میان این دو حدیث می‌کند.» (شریف‌لاهیجی، ۱۳۴۰، ۱: ۳۸)

سید طیب در جمع بین روایات خوف و رجاء که دسته‌ای از روایات به تساوی آن دو در وجود مؤمن تشویق کرده‌اند و برخی رجاء را تغلیب داده‌اند، می‌نویسد: «برای انسان دو لحاظ است: نظر به شخص خود و اعمال صادره از عبادات و معاصی باید بین خوف و رجاء به طوری مساوی باشد نه مایوس از رحمت حق و نه ایمن از عذاب او و اخبار دسته اول ناظر به این است و دیگر نظر به حضرت باری و سعه رحمت و عنایات او که از این لحاظ باید امیدش بیشتر باشد.» (طیب، ۱۳۷۸، ۲: ۴۲۳)

## ۱۱. تعامل با روایات همگون یا ناهمگون و متعارض

همان‌گونه که بیان شد بُن‌مایه اصلی تفاسیر فیض کاشانی را روایات تشکیل داده‌اند؛ از این‌رو فیض از هر روایاتی که می‌تواند در تفسیر از آن بهره جوید را ذکر می‌کند و در مقدمه تفسیر خود آورده است: مفسران اگرچه در معانی قرآن سخن زیاد گفته‌اند، اما هیچ‌کدام حرف آخر را در این زمینه نزده‌اند؛ چون قرآن دارای ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام، مبین و مبهم، مقطوع و موصول، واجبات و احکام، آداب و مستحبات، حلال و حرام، عزیمت و رخصت، ظاهر و باطن و ... است و هیچ‌کس به درستی توان بازشناسی این همه را ندارد؛ جز آن‌که قرآن در خانه‌اش نازل شده باشد و او نبی و اهل بیت او هستند. پس هر سخنی که از خانه آنان نباشد، قابل اعتماد نیست. (فیض‌کاشانی، ۱۴۱۸، ۱: ۸)

در مقدمه تفسیر شریف لاهیجی در ارزیابی و رده‌بندی این تفسیر محقق این اثر آورده است: «از ملاحظه سراسر این تفسیر به خوبی برمی‌آید که مفسر (رحمه‌الله‌علیه) از ناشرین احادیث و اخبار مأثوره از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بوده و در این امر به طوری تعبّد و تصلّب و تعصّب و ثبات قدم و رسوخ عقیده داشته که در تفسیر آیات بدون مراجعه به روایات گامی برنداشته و قدمی فراتر نگذاشته است و در برابر کلمات حضرات معصومین (علیهم‌السلام) چنان خاضع و مطیع است که با دسترسی به آن‌ها اقوال و بیانات دیگران را نمی‌پذیرد. (شریف لاهیجی، ۱۳۴۰: ۶۴)

شریف لاهیجی تفسیر روایی ادبی از قرآن ارائه کرده است؛ به این سبک که پس از ترجمه مختصر آیه و بیان برخی نکات ادبی، به بیان شأن نزول، تأویل یا روایتی در تبیین معنای آیه می‌پردازد. ایشان روایات فضیلت سور و آیات را نیاورده و روایاتی را



گلچین کرده که در معنا یا همسان هستند و تهافت و تضادی بین آنها نباشد؛ از این رو جز مواردی اندک به بحث تعارض و تهافت بین روایات نپرداخته و از این جهت شاهدی برای بحث یافت نمی‌شود. پس در این اثر و این تفسیر روایی بیشترین احادیث از زمره بیان معنای آیه، شأن نزول و مصادیق آیه و تأویل آن است. تفسیر شریف به گونه‌ای بوده که روایات گوناگون ذیل آیات را نقل نکرده؛ بلکه از میان آنها گلچین کرده است، از این رو در این اثر مبانی ایشان در هنگامه تعارض روایات چندان مشخص نیست.

مشهدی قمی در چند جا از تفسیر خود به هنگام تعارض دو روایت، حدیثی که موافق مذهب عامه باشد، روایت را حمل بر تقیه می‌کند. نمونه در ذیل آیه ۵ از سوره مائده: «فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ» که به حلیت حیوان شکار شده توسط سگ دست‌آموز و تعلیم‌دیده اشاره دارد، ایشان دو روایت یکی دال بر نهی از خوردن و دیگری دال بر حلیت نقل می‌کند و روایت نهی را از آن جا که موافق مذهب عامه است، تقیه می‌داند. (مشهدی، ۱۳۶۸، ۴: ۳۹)

مؤلف تفسیر مهر در برخی موارد که احادیثی به ظاهر با هم در تعارض هستند، در جمع بین آنها راه‌حلی مقبول را مطرح کرده است؛ به عنوان نمونه: در ذیل آیه ۱۴ از سوره اعراف: «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» درخواست شیطان تا روز قیامت را در برخی روایات تا ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و در برخی همان روز قیامت دانسته است. ایشان در جمع این دو می‌نویسد از آن جا که از هنگامه ظهور تا قیامت زمانی نزدیک است، هر دو را می‌توان پذیرفت. (رضایی، ۱۳۸۸، ۷:

## ۱۲. استفاده از روایات جهت بیان مصداق و جری و تطبیق

فیض در ابتدای بحث و در مقدمه تفسیر الاصفی آورده است: «ینبغی لمن أراد فهم معانی القرآن من الأخبار من دون توهم تناقض و تضاد...». برای کسی که قصدش فهم معانی قرآن بدون تضاد و اختلاف است، بایسته است که در خصوص تفسیر و معنای آیه بر شخص خاص یا معنای خاص جمودی نداشته باشد و تا آنجا که معنا و مفهوم یاری می‌کند و کشش بار معنایی دارد، لفظ را عمومیت بخشد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۱: ۳)

فیض پس از آوردن چند روایت که خود ائمه (علیهم‌السلام) در این باره قائل به عمومیت الفاظ قرآن بوده‌اند، می‌نویسد: «کیف و لو کان المقصود من القرآن مقصورا علی أفراد خاصّة...»؛ به هر حال اگر قرآن مخصوص افرادی خاص باشد و برای جاهایی خاص، فایده‌اش کم شده و کم‌رونق می‌شود؛ و حاشا که چنین باشد. قرآن دریایی ژرف، ظاهرش آراسته و باطنش عمیق است. عجائش به شماره نیابند و معنای دست نیافته‌اش کهنه نشوند؛ و بیان شد که معنای تأویل یعنی اراده برخی افراد از معنای عام که از فهم عوام مخفی مانده است و مقابلهش تنزیل است و خدای حق گفته و به راه هدایت می‌کند. از این رو آنچه فیض ضمن برشمردن مصداق آیات در ذیل آن‌ها آورده، معتقد است که منحصر در آن‌ها نیست. از آنجا که این تفسیر فیض تفسیری روایی است، نمونه‌های فراوانی برای بیان مصداق می‌توان یافت. در سوره آل عمران آیه ۱۷: «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» آمده است: «المصلّین فی وقت السحر کذا فی المجمع عن الصادق «علیه‌السلام» قال من استغفر سبعین مرة فی وقت السحر فهو من أهل هذه الآیة»؛ استغفارکنندگان به وقت سحرگاهان همان نمازگزاران در آن وقت هستند و امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: هرکس به وقت سحر ۷۰ استغفار کند، از اهل

این آیه است. روشن است که این آیه مصادیق فراوانی دارد و کسی که ۷۰ استغفار کند نیز از زمره و مصادیق آن به شمار است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۱: ۳۲۲)

شریف در ذیل آیه سوّم از سوره بقره: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «وَمِمَّا عَلَّمْنَاهُمْ يَبْتُونَ؛ یعنی مراد از رزق، علم است و معنی آیه این است که از آن علمی که ما تعلیم ایشان کرده‌ایم آن را منتشر می‌سازند و تعلیم دیگران می‌کنند». (شریف‌لاهیجی، ۱۳۴۰، ۱: ۹) آنچه که روزی متقیّن شده، (مّمّا) عمومیت دارد و یکی از مصادیق مهم آن - چنانچه در روایت تصریح شده - علم است. مشهدی قمی ذیل آیه ۳۰ از سوره حج: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ...» که در روایت رجس را شطرنج و قول زور را غنا دانسته است، (ر.ک: مشهدی، ۱۳۶۸: ۹۰) روشن است که این دو مصداقی از آیه و شاید مصداق بارز و نمایان آن باشند و گرنه آیه محدود به آن دو نیست.

سید طیب در جای‌جای این تفسیر و بارها اعلام داشته‌اند که اکثر روایاتی که ذیل آیات قرآن بیان شده است، برای بیان مصداق آیات هستند. نمونه آن در آیه ۱۲۲ از سوره انعام: «أَوْمَنُ كَانَ مِيتًا فَأَحْيَيْنَاهُ...» است که در برخی روایات تفسیر به امام شده و در بعضی به ولایت و در بعضی به امیر المؤمنین (علیه‌السلام). وی در ذیل این تفسیر بیان می‌دارد که این نوع تفاسیر بیان مصداق اتمّ است و منافی با اطلاق و عموم آیه ندارد. (طیب، ۱۳۷۸، ۵: ۱۹۲)

### ۱۳. استفاده از روایات جهت رفع اجمال آیه

درباره رفع اجمال آیه با روایات، قطعا می‌توان مثال‌های فراوانی در تفسیر صافی و اصفی یافت که برای نمونه دو مورد بیان می‌شود. در ذیل آیه ۲۴ سوره صافات: «وَ

قُفُوهُمُ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» آمده است: «و فی العلل عنه «علیه السّلام» انه قال فی تفسیر هذه الآیة...»؛ در عِلل الشرائع از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که فرمود: هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر از چهار چیز سوال شود: از جوانی‌اش که در چه راهی فرسود؛ از عمرش که در چه مسیری پیمود؛ از مالش که از کجا اندوخت و در کجا مصرف نمود؛ و از محبت ما اهل بیت. شاهد بر سر روایت عِلل الشرائع است. این روایت در توضیح بیشتر و رفع ابهام از مواردی که انسان باید در مقابل آن‌ها پاسخگو باشد، ذیل این آیه به درستی آورده شده است. نمونه دیگر در معنای فتنه و آزمایش الهی است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۴: ۲۶۶)

در ابتدای سوره عنکبوت سخن از آزمودن حتمی مردمان توسط خدای حکیم مهربان است. «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا...»؛ آیا کسانی که کافرند، پنداشته‌اند که بندگان مرا به جای من سرپرستان خود می‌گیرند [برای آنان در دنیا و آخرت کاری انجام می‌دهند؟! چنین نیست قطعاً] ما دوزخ را برای پذیرایی کافران آماده کرده‌ایم. (الکهف: ۱۰۲) فیض در ذیل این آیه و برای روشن شدن بهتر موارد فتنه و آزمایش آورده است: از امام صادق (علیه السّلام) نقل است که فرمود: معنای «یفتنون»؛ یعنی مردمان در مورد جان‌ها و اموال‌شان امتحان می‌شوند. و از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که چون این آیه نازل شد فرمود: این امت از فتنه‌ای که به آن بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) امتحان می‌شوند، ناگزیر است تا راستگویان از دروغگویان شناخته شوند؛ چراکه وحی قطع شده و آنچه تا روز قیامت باقی می‌ماند شمشیر و اختلاف کلمه است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۴: ۱۱۰)

نمونه رفع اجمال در تفسیر منهج الصادقین را می‌توان در آیه ۳۸ سوره مائده: «السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» دید که ایشان در رفع اجمال از معنای «ید» و

این‌که قطع از کجا باید صورت پذیرد، به روایت نبوی استشهد می‌کند. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۳: ۲۳۵)

شریف در رفع اجمال آیه این‌گونه از روایات بهره گرفته است: در ذیل آیه ۱۵ از سوره بقره: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ...» که معنای ظاهری آیه این است که خدا آنان را به تمسخر می‌گیرد و این کار از شأن خدای متعال به دور است، دو روایت را برای روشن شدن مقصود از این تمسخر نقل می‌کند که بسیار به جاست: «خدای تعالی جزاء استهزاء ایشان را می‌دهد به عذاب ابد و نکال سرمد، چنان‌چه علی بن ابراهیم روایت کرده است که: «الاستهزاء من الله العذاب». و فی عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام): «ان الله تعالی لا یسخر و لا یتستهزئ و لا یمکر و لا یخادع...»؛ پس در واقع استهزاء الهی یا به معنای عذاب اوست یا به معنای پاداش دادن و سزای تمسخر و نیرنگ آنان است، بنا بر روایت دوم. این دست از روایات به خوبی اجمال و پرسشی را که در ذهن خواننده ایجاد می‌شود، پاسخ می‌دهد و از اجمال آیه کاسته است. (شریف‌الدهیجی، ۱۳۴۰، ۱: ۱۵)

از موارد کاربرد روایات تفسیری مشهدی قمی رفع اجمال برخی آیات است. نمونه این دست روایات را می‌توان در ذیل آیه وضو: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ...» مشاهده کرد که مؤلف ضمن اعتراف به اجمال آیه آن را محتاج تبیین اهل بیت دانسته است و سپس روایات آن را نقل می‌کند. (رک: مشهدی، ۱۳۶۸، ۴: ۴۶)

سید طیب ذیل آیه ۸۲ از سوره نمل: «وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ...» می‌نویسد: «این آیه شریفه فی نفسه از متشابهات قرآن است؛ لذا تفسیر مفسرین عامه تفسیر به رأی است، مگر از ائمه اطهار «علیهم‌السلام» و مصادر عصمت و طهارت تفسیر بیاید باید بوسید و بر چشم گذارد و اخبار در تفسیر این آیه که در برهان ۱۷ حدیث مفصل و مبسوط از کتب معتمده شیعه مثل کلینی و نعمانی و علی بن ابراهیم و غیر آن‌ها روایت

کرده که دابة الارض وجود مبارک امیرالمؤمنین «علیه السلام» است در دوره رجعت. «(طیب، ۱۳۷۸، ۱۰: ۱۸۸) نمونه رفع اجمال آیات توسط روایات تفسیر مخزن العرفان را می توان در ابتدای سوره فجر در تعیین شب های ده گانه دانست که طبق روایات شب های دهه اول ذی حجه هستند. (ر.ک: امین، ۱۵: ۱۲۷)

در ذیل آیه ۱۵ از سوره بقره: «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ...» است، نسبت دادن استهزاء - که کاری قبیح است - به خدای متعال را با روایتی از امام رضا (علیه السلام) روشن می سازد که مقصود جزایی مطابق تمسخر آنان است. (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۸، ۱: ۱۸۵)

#### ۱۴. برون رفت از تعارض ظاهری روایت با حمل بر مراتب مختلف

یکی از راه های برون رفت از تعارض و تهافت ظاهری روایت، حمل بر مراتب مختلف است. فیض در مقدمه تفسیر آورده است: جمع بین روایات در مواردی چنین است که بگوییم: قرآن هفت قسم آیه دارد و هر آیه هفت بطن و لایه دارد و بر هفت لغت نازل شده است؛ (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ۱: ۶۱) نمونه های این حمل را می توان در موارد زیر جستجو کرد:

فیض در ذیل آیه ۳۰ از سوره بقره و بحث سجده فرشتگان بر آدم و اعتراض آنان، روایاتی را نقل می کند؛ در یک روایت آمده است که این اعتراض سبب شد تا آنان به مدت هفت سال در حجاب باشند و به عرش دسترسی نداشته باشند و در روایت دیگر هفت هزار سال را مطرح کرده است. فیض کاشانی برای جمع بین این دو روایت آورده است: به نظر من بین هفت سال و هفت هزار سال منافاتی وجود ندارد؛ چراکه زمان و سنجش آن در نشئت و عوالم مختلف، تغییر می کند؛ و مؤید آن قول خدای متعال است که درباره روز قیامت یک بار آن را معادل پنجاه هزار سال و یک بار

معادل هزار سال برشمرده است، پس ممکن است در دو روایت بالا، یک‌بار بر اساس یک عالم و بار دیگر بر اساس عالمی دیگر محاسبه شده باشد. (همان: ۱۱۰)

سید طیب به مناسبت از تفاوت افراد در یادش‌های اخروی، بحث تفاوت روایات زیارت سیدالشهداء (علیه‌السلام) را مطرح می‌کند که از ثواب یک حج و عمره گرفته تا هزار حج و عمره و بلکه بالاتر است. وی در جمع بین این روایات می‌نویسد: «از سه جهت مراتب آن‌ها مختلف می‌شود: یکی از جهت ایمان هرچه ایمان و معرفت کامل‌تر باشد درجات عبادات بالاتر می‌شود، و یکی از جهت اخلاق هرچه اخلاق حمیده بهتر و زیادتر باشد، درجات را بالاتر می‌برد و یکی از جهت مراعات آداب و شرایط قبول و تقوا است». (طیب، ۱۳۷۸، ۵: ۲۵۷)

#### ۱۵. استفاده از روایات و حمل بر معنای طولی

فیض در تفسیر آیه ۹۷ سوره نساء ذیل «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ...» دو روایت نقل می‌کند: روایت نخست در شأن نزول آیه و این‌که این افراد کسانی از مسلمانان بودند که در مکه اسلام آوردند، اما زمان وجوب مهاجرت هجرت نکردند؛ از جمله قیس بن فاکهه، حارث بن زعمه. روایت دوم به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی است که می‌گوید مقصود کسانی هستند که از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کناره جستند و در جنگ با حضرت شرکت نکردند. فیض در جمع بین این دو خبر آورده است: منافاتی بین این دو خبر نیست؛ چراکه یکی از آن دو در تفسیر آیه آمده و شأن نزول آن است و دیگری در تأویل آیه و انطباق آن بر آن جمعیت است، و آیه شامل هر دو می‌شود. روشن است که تفسیر و تأویل دو مرحله در طول هم هستند و تأویل از بطون و لایه‌های قرآن کریم است. (فیض، ۱۴۱۸، ۱: ۴۹۰؛ همان، ۵: ۱۲۹)

۱۶. استفاده از روایات و حمل بر مصادیق مختلف

فیض در سوره احزاب ذیل آیه ۷۲ که خدای متعال بحث عرضه امانت را مطرح می‌کند، روایاتی چند مقصود از این امانت را بر شمرده‌اند: ولایت امیر المؤمنین (علیه‌السّلام)، تکلیف و امر و نهی. فیض در ذیل این مطلب آورده است: «أقول: لا منافاة بین هذه الاخبار ...». (همان، ۴: ۲۰۷) منافاتی بین این روایات از این حیث که یک دسته امانت را به ولایت و دسته دیگر آن را شامل هر نوع امانت و تکلیفی دانسته‌اند، نیست. همان‌طور که در مقدمات بحث بیان شد، می‌توان یک لفظ را تا جایی که می‌شود، تعمیم داد تا شامل معانی و مصایق مختلف بشود. در تفسیر آیه ۹ سوره بقره در ذیل «يُخَادِعُونَ اللَّهَ» دو روایت نقل می‌کند؛ در روایت نخست آمده است که «يعاملون الله معاملة المخادع؛ با خدا در کردار و رفتارشان فریبکارانه برخورد می‌کنند». در روایت دیگر آمده است که «يخادعون رسول الله بإبدائهم له خلاف ما في جوانحهم؛ آنان در صدد فریب رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با اظهار خلاف آنچه در دل دارند، هستند». فیض در جمع این دو آورده است: «أقول: وجه التوفيق أن مخادعة الرسول مخادعة الله، كما قال عزّ وجلّ: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ» (همان، ۱: ۱۴) و قال: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ». روش جمع بین این دو روایت به این است که فریب دادن رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) همان فریبکاری با خداست. خدای متعال می‌فرماید: آنان که با تو بیعت می‌کنند با خدا بیعت کرده‌اند یا در آیه دیگر می‌فرماید: هرکس از رسول فرمانبری کند از خدا فرمانبرداری کرده است. پس در واقع یکی از مصادیق مخادعه با خدا، مخادعه با رسول خداست (صلی الله علیه و آله وسلم). (ر.ک: همان، ۱: ۸۷).



۱۷. نحوه برخورد با روایات ضعیف و اسرائیلیات

یکی از مباحث بحث‌انگیز در میان روایات و کتب حدیثی، راه یافتن برخی از روایات جعلی و داستان‌سرایی‌هایی به نام اسرائیلیات است. نمونه این دست روایات را در تفسیر ملافتح الله می‌توان در داستان حضرت نوح (علیه‌السّلام) و پسران وی یافت که حام بن نوح به علت تمسخر یا نافرمانی از پدر، دچار نفرین نوح شد و نسل وی نیز سیاه‌پوستان شدند. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۴: ۴۳۹)

یکی از کارهای ملافتح‌الله رد و نقد برخی از روایاتی است که آثار جعل و کذب در آن‌ها هویدا است. اگر چه بیان شد وی در برخی موارد نتوانسته است این روش را در همه‌جای کتاب خویش پیش برد و در برخی موارد روایات ضعیف را نقل کرده است، مگر این‌که گفته شود روایاتی را که در این کتاب نقل کرده، به نظر صحیح دانسته است. به هر حال نمونه این اجتهاد و ردّ برخی احادیث را می‌توان در سوره یوسف ذیل آیه ۲۴: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ...» دید. ایشان روایاتی را که به تعبیر خودشان «اهل حدیث، حشویه و سایر مخالفان» در ذیل این آیه نقل کرده‌اند، مخالف عصمت پیامبران دانسته و آن‌ها را رد می‌کند. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۵: ۳۰)

مشهدی قمی نمونه نقد احادیث جعلی را در پایان سوره حمد با ذکر احادیثی از اهل سنت در مستحب بودن گفتن «آمین» پس از اتمام این سوره آورده است و در ارزیابی آن‌ها را طبق روایات صحیح امامیه جعلی برشمرده است. (مشهدی، ۱۳۶۸، ۱: ۸۸). سید طیب از روایات اهل سنت به ندرت استفاده کرده است. وی رویکردی کلامی شیعی در این اثر دارد و به نقد و رد برخی از احادیث شأن نزول یا احادیث تفسیری ضعیف، طبق مبانی کلامی تشیع پرداخته است. وی در ردّ برخی روایات فضائل السور ایشان می‌نویسد: «و اما روایتی که از خواصّ قرآن از حضرت رسالت

نقل کرده است، قطع نظر از این که سند ندارد و اعتبار ندارد آثار کذب هم از آن‌ها ظاهر است؛ لذا از نقلش خود داری کردیم». (طیب، ۱۳۷۸، ۱۰: ۴۱۱)

#### ۱۸. نقل روایات اهل سنت

ملافتح‌الله در جای‌جای کتاب خویش از ابوه‌ریره، کعب‌الاحبار و مفسران اهل سنت در تأیید معنای منتخب خویش نقل قول و روایت آورده است. (کاشانی، ۱۳۳۶، ۱: ۳۴، ۲۰۳، ۳۶۵، ۳۸۸، ۴۰۹، ۴۵۷؛ ۲: ۲۳۵؛ ۳: ۳۵۸، ۳۶۶، ۴۹۱) بیان روایاتی که آیات ناسخ و منسوخ را برشمرده‌اند. یکی دیگر از کارکردهای روایات تفسیری، روایاتی است که آیات ناسخ و منسوخ را معرفی کرده است. در تفسیر منهج‌الصادقین نیز به این دست روایات توجه شده است. (همان: ۳۱۸، ۴۱۴؛ ۳: ۱۷۳، ۱۸۸)

#### ۱۹. استفاده از روایات مبین آیات الاحکام

از موارد کاربرد روایات تفسیری بیان جزئیات و شرایط احکام واجب و شرعی است. در این راستا نیز ملافتح‌الله از این دست روایات بهره برده است. نمونه نخست در ذیل آیه ۶ از سوره مائده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ...» که روایاتی در بیان چگونگی وضو و شرایط آن ذکر شده است. (ر.ک: کاشانی، ۱۳۳۶، ۳: ۱۹۰) مشهدی قمی ذیل آیه ۲۸ از سوره حج: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...» بیان کرده است که مراد از ایام معلومات، ایام تشریق است. (ر.ک: مشهدی، ج ۹، ص ۸۲) نمونه دیگر در ذیل آیه ۳۶ سوره حج: «فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا...» به بیان روایاتی در شرایط و چگونگی این قربانی پرداخته است. (ر.ک: همان، ۹: ۹۶)

سید طیب در آیه ۴۳ از سوره نساء: «فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» است که روایت نبوی مشهور: «جعلت لی الارض مسجدا و طهورا؛ پس آن چه بر او از زمین سجده جایز است بر او هم تیمم جایز است و همین نبوی دلیل است بر این که تیمم رافع حدث است؛ چون تعبیر به طهور فرمود.» (طیب، ۱۳۷۸، ۴: ۹۰) نمونه بیان جزئیات و شرایط آیات الاحکام مخزن العرفان را می‌توان در ذیل آیه ۳ از سوره مائده: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ...» دید. (ر.ک: امین، ۴: ۲۵۸) نمونه آن در تفسیر مهر را می‌توان در ذیل آیه ۲۰۳ سوره بقره: «وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ فِيْ اَيّامٍ مَّعْدُوْدَاتٍ» دید که مؤلف طبق روایات به شرح اعمال این ایام که در روایات به نام «ایام تشریق» معروف است، پرداخته است. (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۸، ۲: ۱۵۲-۱۵۳)

## ۲۰. استفاده از روایات جهت بیان آیات ناسخ و منسوخ

نمونه آن در تفسیر کنز الدقائق در آیه ۳۳ سوره نور: «وَ لَا تُكْرِهُوْا فَتِيَاتِكُمْ عَلٰى الْبِغَاةِ...» که با آیه ۵ از سوره نساء: «فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ...» نسخ شده است. (مشهدی، ۱۳۶۸: ۲۹۸؛ ۱۲: ۴۳۵؛ ۱۳: ۲۰۹)

## نتیجه‌گیری

با مطالعه دقیق روش‌های تفسیری تفاسیر اصفهانی: روش‌های استفاده از روایات تبیینی، استفاده از روایات بیان مصداق، استفاده از روایات موید معنای لغوی، استفاده از روایات موید مطلب و برداشت خود، استفاده از روایات فضائل سور و آیات، استفاده از روایات مبین شأن نزول آیات، استفاده از روایات همسو با دلالت قرآن، استفاده از روایات مبین تأویل آیات، استفاده از روایات مبین معنای آیه، ترجیح معنای روایی بر دیگر اقوال، جمع بین روایات بیان مصداق، تعامل با روایات همگون یا

ناهمگون و متعارض، استفاده از روایات جهت بیان مصداق و جری و تطبیق، استفاده از روایات جهت رفع اجمال آیه، برون رفت از تعارض ظاهری روایت با حمل بر مراتب مختلف، استفاده از روایات و حمل بر معنای طولی، استفاده از روایات و حمل بر مصادیق مختلف، نحوه برخورد با روایات ضعیف و اسرائیلیات، نقل روایات اهل سنت، استفاده از روایات مبین آیات الاحکام بدست آمد.

نکته قابل توجه این که هریک از مفسران اصفهانی از هر سه دوره (متقدم، صفویه و معاصر) از روش های متعدد روایی استفاده کرده و به روایات توجه ویژه ای داشته اند.

\*\*\*\*\*

## کتابنامه

### قرآن کریم

ابن فارس، أحمد (۳۹۵). معجم مقاییس اللغة، محقق و مصحح: هارون، عبد السلام محمد، نشر: مکتب الاعلام الاسلامی.

امین، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر القرآن، تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.

ایازی، محمدعلی (۱۳۸۶). «فیض کاشانی و مبانی و روش های تفسیری او»، مجله رهنمون، ش ۲۰.

بابایی، علی اکبر و همکاران (۱۳۷۹). روش شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تسنیم، چاپ اول، قم: نشر اسراء.

جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۹۰). «مدارس کلامی شیعه امامی»، کلام اسلامی، سال ۲۰.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۵۰۲). مفردات ألفاظ القرآن (الف)، محقق و مصحح: داوودی،

صفوان عدنان.

\_\_\_\_\_ (۱۴۰۵). مقدمه جامع التفاسیر (ب)، تحقیق و مقدمه احمد حسین

فرحان. کویت: دارالدعوه.

رضایی اصفهانی، محمدعلی و جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۸) تفسیر مهر، قم: نشر دارالعلم.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). روش‌ها و گرایش‌های تفسیری

قرآن - منطق تفسیر قرآن، قم: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی.

شیرازی (صدرالمتألهین)، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر القرآن‌الکریم، قم: نشر بیدار.

سبحانی، مولی محسن فیض کاشانی (۱۳۸۷). مجله تخصصی کلام اسلامی، ش ۱۲۹.

سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۲). معجم طبقات المتکلمین، قم: موسسه الامام الصادق علیه‌السلام.

شریف‌لاهیجی، بهاء‌الدین محمد بن شیخ علی (۱۳۴۰). تهران: نشر موسسه مطبوعاتی علمی.

شاکر، محمدکاظم (۱۳۸۲). مبانی و روش‌های تفسیری، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.

طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: نشر اسلام.

عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹). مبانی و روش‌های تفسیری قرآن، چاپ چهارم، تهران: سازمان

چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵). تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران:

نشر الصدر.

فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۷۵). کتاب العین، نشر هجرت.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین

درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

کوشری‌نیا، نفیسه و همکاران (۱۳۹۷). «تأملات تفسیری فیض کاشانی در الصافی (شیوه

حدیث شناسی)» دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان.

کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۰). تفسیر المعین، تحقیق حسین درگاهی، قم: نشر کتابخانه

آیه الله مرعشی نجفی.

کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: نشر کتابفروشی

محمد حسن علمی، چاپ سوم.

کریاسی‌زاده اصفهانی، علی (۱۳۸۳). مجموعه مقالات همایش فاضل سراب و اصفهان عصر وی،

اصفهان: نشر دانشگاه اصفهان.

گلدزیهر، ناس (۱۳۸۳). گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: نشر ققنوس.

مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۵). تفسیر روایی جامع مبانی منابع و روش، ج ۱، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱). تفسیر و مفسران، ترجمه علی خیاط، قم: نشر تمهید.

مودب، سید رضا (۱۳۸۶). مبانی تفسیر قرآن، قم: نشر دانشگاه قم.

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، تهران: نشر امیرکبیر.

## Bibliography

### Holy Quran.

- Ibn Fares, Ahmad Ibn Fares, (1395 Ah), Mojam Maqaeis al Loqat, Beirut, Maktam al Aalam Islami.
- Amin, Sayedeh Nosrat, (1361 sh), Makhzan Al Erfan fi Tafsir Al Quran, Tehran, Publication of the Muslim Women's Movement.
- Ayazi, Mohammad Ali, (1386 sh), Faiz Kashani wa mabani , raveshhae tafsieiu, Rahnamon Magazine, No. 20.
- Babaei, Ali Akbar wa hamkaran, (1379 Sh), Ravesshenasi Tafsire Qur'an, Qom: Hozah and University Research Institute.
- Javadi Amoli, Abdullah (1378 Sh), Tasnim, Qom: Esra Publishing House.
- Jabraeili, Mohammad Safar, (1390 Sh), Madarese Kalamie Shia Imami, Islamic Theology Magazine, WD. 20.
- Ragheb Isfahani, Hossein bin Muhammad (502AH), Mofradat Alfaz Al-Qur'an,, researcher and proofreader: Davoudi, Safwan Adnan.
- \_\_\_\_\_ , (1405 Ah), Moghadame Jame al-Tafaseer research and introduction by Ahmad Hossein Farhan. Kuwait: Dar al-Dawa.
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali wa jamei az pazhoheshgaran (1388SH), Tafsir Mehr, Qom: Darul Alam Publishing House.
- \_\_\_\_\_ , (1382SH), Ravesshha wa gerayeshhae tafsire Qur'an, mantege tafsire Qur'an, Qom: Publication of the World Center for Islamic Sciences.
- Shirazi (Sadr al-Mutallahin), Mohammad ibn Ibrahim (1366SH), Tafsir al-Qur'an al-Karim, Qom: Bidar Publishing.
- Sobhani, Molla Mohsen Faiz Kashani, (1387SH), Specialized Journal of Islamic Theology, No. 129
- Sobhani Tabrizi, Ja'far (1382SH), Mu'jam Tabaqat al-Mu'takalmin, Qom: Institute of Imam al-Sadiq, peace be upon him.
- Sharif Lahiji, Bahauddin Mohammad ibn Shabakh Ali, (1340SH), Tehran: Publication of Scientific Press Institute.

- Shakir, Mohammad Kazem, (1382SH), Mabani wa Ravesshenasi Tafsiri, Qom: World Center for Islamic Sciences.
- Tayyib, Seyyed Abdul Hossein, (1378SH), Atyib al Bayan fi Tafsir al-Qur'an, second edition, Tehran: Islam Publishing House.
- Amaid Zanjani, Abbas Ali, (1379SH), Mabani wa Ravesshenasi Tafsiri Qur'an , 4th Edition, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Faiz Kashani, Mulla Mohsen, (1415AH), Tafsir al-Safi, research: Hossein Alami, second edition, Tehran: Sadr publishing house.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmed, (1405AH), Kitab al-Ain, Qom: Hijrat Publishing.
- Qomi Mashhadi, Mohammad, (1368SH), Tafsir Kanz al-Daqaeq wa Bahr al-Gharaib, research: Hossein Dargahi, Tehran: Ministry of Islamic Guidance.
- Kotharina, Nafiseh wa hamkaran, (1397SH), Tammolate Faiz Kashani dar Al-Safi (shiveh hadith shenasi)", Hadith Research, No. 9.
- Kashani, Mohammad ibn Mortaza, (1410AH), Tafsir al-Mu'ain, research by Hossein Dargahi, Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library Publishing.
- Kashani, Mulla Fethullah, (1336SH), Tafsir Manhaj al-Sadiqin fi Zam al-Makhalifin, 3rd edition, Tehran: Mohammad Hassan Elami Publishing House.
- Karbasizadeh Esfahani, Ali, (1383SH), Majmoe maghalate hamayeshe Fazil Sarab wa Isfahan Asr Vei Conference, Isfahan: Isfahan University Press.
- Goldzihar, Nas, (1383SH), gerayeshhaei Tafsiri dar miane mosalmanan, translated by Seyyed Nasser Tabatabai, Tehran: Nash Qoqnos.
- Masoudi, Abdul Hadi, (1395SH), Tafsire revaei jame mabani manabeh wa raves, Qom: Dar al-Hadith.
- Marefat, Mohammad Hadi, (1381SH), Tafsir va Mafsaran, translated by Ali Khayat, Qom: Tamhid Publishing.
- Moadab, Seyyed Reza, (1386SH), Mabanie tafsire Qur'an, Qom: Qom University Publishing.
- Moein, Mohammad, (1386SH), Farhang Moin, Tehran: Amirkabir Publishing.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی